روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۱ • ۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۸ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۴۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۷:۱۳
اذان صبح فردا ۵:۳۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۹

روزنامه شرق

• جشنواره «طعم کتاب» باعشایر هر دو هفته یک بار در یکی از شهرستان‌های شمال خوزستان با اهدای کتاب، خدمات بهداشتی و سلامت، آموزش مقابله با مخاطرات طبیعی و ورزش و بازی‌های بومی و محلی برگزار می‌شود.
عکس: امین ناظری، ایسنا

دیالوگ روز

مرغ دریایی: سیدنی لومت - ۱۹۶۸
مدویدنکو (سیمون سینیوره): چرا همیشه لباس سوگواری می‌پوشی؟
ماشا (ونسا ردگریو): لباس سیاه می‌پوشم تا با زندگی‌ام مطابقت داشته باشم، من غمگینم.

گزارش‌خوانی

مشکل سنگاپور چیست؟

ریچارد برانسون یکی از میلیاردرهای جهان در دنیای کسب‌وکار است که مسائل را از بعد اقتصادی و تجارتی بررسی می‌کند اما چندی پیش مقاله‌ای در سایت کمپانی‌اش ویرجیل نوشت که بازتاب گسترده‌ای داشت. او این سؤال را مطرح کرد که «مشکل سنگاپور چیست؟». او به یک نکته مهم درباره این کشور مهم در عرصه اقتصاد اشاره کرده بود؛ تأثیر برخی قوانین. بخش‌هایی از مقاله او در ادامه آمده است.

سنگاپور کشوری جذاب و پویاست. یک مرکز جهانی تجارت و مالی که چندین دهه از رفاه و ثبات برخوردار بوده است، با جمعیت بسیار تحصیل‌کرده و متنوع، زیرساخت‌های چشمگیر و خدمات عمومی کارآمد. در طول بازدیدهای گاه‌به‌گاهم، همیشه ترکیب هوشمندانه سنت و مدرنیته سنگاپور برایم جذاب بود. از نظر اجتماعی، این کشور همیشه در سمت محافظه‌کار بوده است. متأسفانه یکی از مسائلی که سنگاپور را هنوز در سمت اشتباه تاریخ قرار داده، استفاده مداوم از مجازات اعدام، به‌ویژه برای جرائم مواد مخدر است. تعداد فزاینده اعدام‌ها -تاکنون ۱۱ مورد در سال ۲۰۲۲- لکه‌های تیره‌ای بر شهرت این کشور در جهان بوده است. در اوایل سال جاری، من به جامعه جهانی مدافعانی پیوستم که سعی کردند جلوی اعدام ناگانتران (مرد جوان مالزیایی با معلولیت ذهنی) را بگیرند که تحت فشار شدید فروشندگان مواد مخدر مجبور به این کار شده بود. در راستای تعهدات بین‌المللی خود سنگاپور برای محافظت از افراد دارای معلولیت، این فرد هرگز نباید به اتاق مرگ نزدیک می‌شد اما حتی مداخلات کارشناسان سازمان ملل و چندین دولت اتحادیه اروپا نیز نتوانست جان او را نجات دهد. حقیقت این است که به نظر می‌رسد دولت سنگاپور برای اعدام تعداد زیادی از قاچاقچیان سطح پایین مواد مخدر، عمدتا اعضای اقلیت‌های فقیر و محروم تلاش می‌کند، درحالی‌که نمی‌تواند شواهد واضحی مبنی بر تأثیر محسوس اعدام بر کاهش مصرف مواد مخدر، جرم و جنایت یا امنیت عمومی ارائه کند. اخیرا سخنان وزیر امور داخله سنگاپور را خواندم که در رسانه‌های بین‌المللی از منتقدان مجازات اعدام، انتقاد کرده بود. آقای شانموگام با استناد به حمایت عمومی از مجازات اعدام و نظرسنجی‌های دولتی، بارها ادعا کرد مجازات اعدام یک عامل بازدارنده قوی برای قاچاقچیان احتمالی مواد مخدر است. اما نظرسنجی‌ها معیاری ناقص از اثربخشی سیاست‌ها هستند و کارشناسان توافق دارند که تأثیر مجازات اعدام بر جرائم، از جمله جرائم مربوط به مواد مخدر به‌طور تجربی ثابت نشده است.

ممکن است مصرف مواد مخدر گزارش‌شده در سنگاپور، طبق داده‌های دولت نسبتا کم باشد اما دلایل زیادی برای آن وجود دارد؛ از جمله ثروت کشور و رشد اقتصادی قوی، بی‌کاری کم، انسجام اجتماعی، تمایل عمومی علیه مصرف مواد مخدر، سرمایه‌گذاری در بهداشت عمومی و... . در مقابل، پرتغال نه‌تنها مجازات اعدام را به‌طور کامل در سال ۱۹۷۶ لغو کرد بلکه در سال ۲۰۰۱ مالکیت شخصی همه مواد مخدر را غیرقانونی کرد؛ درحالی‌که منابع مالی درخور توجهی را از اجرای قانون به مداخلات بهداشتی تغییر داد. طبق منطق سنگاپور، پرتغال باید شاهد افزایش مرگ‌ومیر و مصرف مواد مخدر می‌شد. بااین‌حال اثرات مثبت جرم‌زدایی، از جمله کاهش چشمگیر مرگ‌ومیر ناشی از مواد مخدر فوری بود و مصرف مواد مخدر پرتغال از آن زمان تاکنون به‌طور مداوم زیر میانگین اتحادیه اروپا باقی مانده است؛ اینجاست که منطق وزیر به‌ویژه ادعای او مبنی بر اینکه مجازات اعدام «جان هزاران نفر را نجات می‌دهد» از بین می‌رود. شاید باید پذیرفت که به‌اصطلاح «جنگ علیه مواد مخدر» که در سنگاپور انجام شد، یک شکست پرهزینه بوده است و حتی نمونه‌های دیگر مانند سوئد با قوانین سخت‌گیرانه مبارزه با مواد مخدر یا کشورهای آمریکای لاتین که واکنش نظامی انجام داده‌اند. تجارت مواد مخدر با هزینه هنگفت انسانی، سبب نشده بازار غیرقانونی متوقف شود یا مصرف مواد مخدر محدود شود. اما تحولات دیگری نیز وجود دارد که باعث نگرانی درباره سنگاپور می‌شود:

تمام ۱۱ مردی که امسال در سنگاپور اعدام شدند، قاچاقچیانی در مقیاس کوچک و در انتهای زنجیره تأمین مواد مخدر بودند که خود توسط دلالان بزرگی مورد تهدید، اجبار و زورگویی قرار گرفته بودند. مطمئنا حکم اعدام سنگاپور ممکن است گردشگران غربی و سایر کشورهای همسایه را وحشت‌زده کند اما هنوز هم جریان مواد مخدر به سنگاپور را متوقف نکرده است. در بیش از یک دهه مطالعه سیاست‌های مختلف درباره مواد مخدر، آموخته‌ام به‌راحتی جایگزین می‌شوند. در مقابل، اتهامات علیه سردمداران تجارت به‌ندرت مطرح می‌شود، اگر اصلا وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد دولت به چیدن میوه‌های کم‌ارزش بارها و بارها رضایت می‌دهد و اراده سیاسی کمی برای مقابله با این موضوع از طریق رویکرد حقوق بشر نشان می‌دهد.

موضوع نگران‌کننده دیگر، ادامه آزار و اذیت وکلای مدافع سرمایه و مدافعان حقوق بشر است. وکلایی که پرونده‌های مجازات اعدام را انجام می‌دهند، پس از ثبت درخواست‌های برای نجات موکلان خود، مجازات می‌شوند. این شکل از آزار و اذیت توسط مقامات سنگاپور تأثیر وحشتناکی بر تمایل وکلا برای اعلام وکالت برای محکومان اعدام داشته است. همه این تحولات به من می‌گوید که سیستم مجازات اعدام سنگاپور اساسا شکسته، ذاتا ناعادلانه و کاملا نامتناسب با چالش موجود است.

سد چم‌شیر و خاطره‌ای از بزرگراه وسط دریاچه ارومیه

مهدی زارع

روز پنجشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۱ نماینده سازمان حفاظت محیط زیست افتتاح سد چم‌شیر را بدون مانع دانست و اعلام کرد که هیچ نمکی در این سد مشاهده نکرده است. پیش‌ازاین مرکز پژوهش‌ها و کمیسیون اصل ۹۰ نسبت از وجود نمک و شورشدن منابع آبی این محدوده اظهار نگرانی کرده بود. معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست کشور به همراه تیمی از سازمان حفاظت محیط زیست در کنار معاون اجرائی سد و نیروگاه چم‌شیر گچساران سه روز از سد چم‌شیر بازدید کردند. معاون دفتر آب و خاک سازمان محیط زیست گفت: «اواسط سال گذشته (۱۴۰۰) بود که مکاتباتی با دستگاه‌های نظارتی و حاکمیتی صورت گرفت. درباره این طرح نیز سال گذشته مباحثی مطرح شد که این پروژه مشکلاتی به محیط زیست منطقه وارد می‌کند و گتوند دوم خواهد شد. با توجه به گزارش‌های قبلی بررسی‌های مجددی نیز صورت گرفت و مسئولان سازمان برای اطمینان خاطر و پاسخ‌گویی شفاف به مردم، مجددا مکلف شدیم که باز هم از سازه سد و منطقه بازدید میدانی داشته باشیم و ابهامات دقیق بررسی شوند. در این بازدیدها هیچ رخ‌نمون (برون‌زد) سنگی دارای نمک در محدوده سد و حتی بالاتر و پایین‌تر از جانمایی سد هم مشاهده نشد و مواردی که از سوی برخی افراد در رسانه‌ها بحث شده، گویا مواردی هستند که بدون کارشناسی دقیق صورت گرفته. درباره شائبه تغییر ساختگاه سد هم جلساتی برگزار شد و طبق بررسی‌هایی که انجام شده، جانمایی ساختگاه سد در بهترین نقطه پیش‌بینی شده است و از نظر شرایط زمین‌شناسی نیز مشکلی در این زمینه وجود ندارد».

به نظر می‌رسد که بر اساس بررسی میدانی معاون سازمان حفاظت محیط زیست، مسئله وجود گنبد نمکی، جانمایه سد (محور و مخزن) از نظر زمین‌شناسی و وجود چاه‌های نفت بررسی شده و براساس‌این اعلام کرده‌اند که هیچ مشکلی از نظر محیط‌زیستی وجود ندارد. با این نظرها جایگاه سازمان حفاظت محیط زیست از نظر سازمان حساس به تغییر پارامترهای سلامت محیط زیست به نظر مبهم است. اکنون نگاه کوتاهی بر اصل مسئله و وظایف سازمان حفاظت محیط زیست در قانون سازمان حفاظت محیط زیست کشور (صرف‌نظر از مسئله‌داربودن یا نبودن آب‌گیری سد چم‌شیر) بیندازیم. در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست که در ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ به تصویب رسید و اصلاحیه ۲۴ آبان ۱۳۷۱، در ماده «۱» آمده: «حفاظت و بهبود بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب برهم‌خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود». ماده ۶ سازمان دارای وظایف و اختیارات زیر است: الف- انجام‌دادن تحقیقات و بررسی‌های علمی و اقتصادی در زمینه حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و برهم‌خوردن تعادل محیط زیست، ماده ۷: هرگاه اجرای هریک از طرح‌های عمرانی یا بهره‌برداری از آنها به تشخیص سازمان با قانون و مقررات مربوط به حفاظت محیط زیست مغایرت داشته باشد، سازمان، مورد را به وزارتخانه یا مؤسسه مربوطه اعلام خواهد کرد تا با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط به منظور رفع مشکل در طرح مزبور تجدیدنظر به عمل آید و ماده ۹: اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم کند، ممنوع است. منظور از آلوده‌کردن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. حتی در شرکت‌های آب منطقه‌ای، در وظایف مدیریت محیط زیست و کیفیت منابع آب -بر اساس ساختار و تشکیلات ابلاغی سال ۹۸- آمده است: «شناسایی واحدها و مراکز آلوده‌کننده منابع آب سطحی، زیرزمینی، مخازن سدها»؛ بنابراین سازمان حفاظت محیط زیست با فرض‌گرفتن مخاطراتی خاص (مانند وجود گنبد نمکی در مخزن چم‌شیر) و بعد ردکردن این فرض، نمی‌تواند مدعی انجام وظیفه قانونی خود شود. می‌توان به نمونه‌ای از هشدار درست سازمان حفاظت محیط زیست در اوایل انقلاب، بر خطابودن ساخت بزرگراه شهید کلانتری در وسط دریاچه ارومیه در خاطرات زنده‌یاد مهندس معین‌فر یاد کرد. زنده‌یاد مهندس علی‌اکبر معین‌فر که در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی بود، درباره مراحل آغاز به کار پروژه ساخت جاده میان‌گذر دریاچه ارومیه و آثار تخریبی که می‌تواند به محیط زیست وارد کند، تعریف می‌کرد «به هر حال -قبل از انقلاب- مجبور می‌شدند یک نفر را در سازمان برنامه بگذارند و آن یک نفر کاملا اسیر و تابع آنها باشد؛ بنابراین سازمان برنامه تبدیل می‌شد به دستگاهی که نقش فرمالیته داشته و فقط امضاکننده پروژه‌ها باشد. اگر قرار بود سازمان برنامه پروژه‌ها را بررسی کند، ایرادات کار مشخص می‌شد و این به مذاق آقایان خوش نمی‌آمد. ... ظاهر قضیه این بود وقتی پروژه‌ای را می‌دیدند که ارزشمند بوده و به واسطه آن عده‌ای مشغول به کار می‌شدند، می‌گفتند که چرا این کار را انجام ندهیم؟ صحبت درباره پروژه‌ای است که درحال‌حاضر روی دریاچه ارومیه در دست اجرا است. من وارد این موضوع نمی‌شوم که این پروژه اساسا از نظر اقتصادی خوب است یا خیر... . در سال ۱۳۵۸ مدیرکل راه استان آذربایجان وقتی می‌بیند با ساختن جاده‌ای روی دریاچه ارومیه می‌توان فاصله تبریز به ارومیه را ۱۴ کیلومتر کوتاه‌تر کرد، پروژه را مطرح می‌کند؛ اما مشکلی که وجود داشت، این بود که وجود کوهی در وسط دریاچه مانع این کار می‌شد. پس تصمیم بر این شد که کوه هم تخریب و به داخل دریاچه ریخته شود؛ هرچند پیامدهای زیست‌محیطی این تخریب در نظر گرفته نشده و مطالعاتی هم روی آن صورت نمی‌گیرد. شور انقلابی موجود باعث می‌شود که فقط به فکر ساخت بزرگراهی روی دریاچه ارومیه باشند، نه چیز دیگر. در آن زمان من در شورای انقلاب بودم، البته وزیر سازمان برنامه نبودم. زمانی که این مسئله مطرح شده بود، دیدم بنی‌صدر تعدادی عکس رنگی از کارهایی که در حال انجام است و ماشین‌آلاتی که مشغول کار هستند، آورد و گفت: معین‌فر، ببین جوان‌های ما چه کارهای جالبی دارند می‌کنند. آقای {شهید} موسی کلانتری آن موقع مدیرکل راه استان آذربایجان بودند. از آنجا که نمی‌توان به‌سرعت درباره صحیح‌بودن یا نبودن انجام یک پروژه تصمیم‌گیری یا اظهارنظر کرد، من از آقای بنی‌صدر پرسیدم که آن را مطالعه کرده‌اید؟ کشتیرانی این دریاچه را چه کار می‌کنید؟ جواب دادند که مانعی ندارد. هفت، هشت متر آن را باز می‌گذاریم که قایقی یا چیزی از آن رد شود. آقای بنی‌صدر در آن موقع رئیس جلسه بود. ضمن صحبتم گفتم بعضی از دوستان کوهی از مشکلات را می‌آورند جلوی آدم می‌گذارند و آدم همان اول وحشت‌زده می‌شود در اینکه بخواهد مشکل را حل کند. درحالی‌که اگر مسائل به طور سیستماتیک و دانه‌دانه مطرح شوند، خیلی ساده‌تر می‌شود جلو رفت. آقای بنی‌صدر به من اعتراض کرد و گفت این حرف‌ها چیست؟ کوه را دارند می‌کنند و می‌ریزند داخل دریا. ایشان کوه مشکلات را به کوه سنگی وسط دریاچه که در حال تخریب و ریخته‌شدن به داخل دریاچه است، تشبیه کرد و گفت در هر حال زیاد ملانقطی نباشید. باید بولدوزروار زد و رفت. مقصود اینکه این روحیه حتی برای آقای بنی‌صدر هم وجود داشت... بعد از مدتی سروکله سازمان محیط زیست پیدا شد و گفت اینکه دارید دو طرف دریاچه را از هم جدا می‌کنید، دارد اختلاف سطح ایجاد می‌کند. بعد از مدتی قسمتی از دریاچه شمالی به اراضی بایر و شوره‌زار تبدیل می‌شود؛ چراکه سالانه حدود ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر سطح آب این قسمت پایین می‌رود؛ درحالی‌که میاندوآب خودش باتلاق است و به مرور زمان، باتلاق این منطقه زیادتر خواهد شد».

توجه شود که حتی در زمان شور انقلابی سال ۱۳۵۹، سازمان حفاظت محیط زیست، هشدار خود را با حساسیت بر محیط زیست داده است. امروزه، حساسیتی بیشتر از این سازمان مورد انتظار است.

اتفاق‌خوانی

کشتار فلسطینی‌ها ادامه دارد

سازمان ملل در گزارشی که اخیرا منتشر کرده، سال کنونی میلادی را به عنوان خونبارترین سال برای فلسطینی‌ها دانسته است. در این گزارش اعلام شد از ابتدای سال ۲۰۲۲ تاکنون ۱۵۰ فلسطینی از جمله ۳۳ کودک در کرانه باختری به شهادت رسیده‌اند. سه نفر از کارشناسان سازمان ملل، «فرانچسکا آلبانیز» گزارشگر ویژه حقوق بشر در فلسطین اشغالی از سال ۱۹۶۷، «موریس تیبال بینز» گزارشگر ویژه در مورد اعدام‌های غیرقانونی و «کلمن فولی» گزارشگر ویژه آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکیل انجمن‌ها، بیانیه مشترکی صادر کردند که در وب‌سایت دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر وابسته به سازمان ملل منتشر شد. این کارشناسان در بیانیه خود همچنین خشونت گسترده شهرک‌نشینان اسرائیلی و استفاده بیش از حد از زور توسط نیروهای اشغالگر علیه فلسطینیان در کرانه باختری در سال جاری را محکوم کرده‌اند. در این گزارش تأکید کرده‌اند: «به اسرائیل یادآوری می‌کنیم که در انتظار برچیده‌شدن اشغال غیرقانونی خود باشد. باید با فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به عنوان افراد تحت حفاظت رفتار شود نه به عنوان دشمن یا تروریست». این کارشناسان همچنین درخواست کرده‌اند رژیم اسرائیل مطابق با تعهدات خود به قوانین بین‌المللی، از ملت فلسطین که تحت اشغال این رژیم زندگی می‌کنند، حفاظت کرده و امنیت و رفاه آنها را تضمین کند. آنها خاطرنشان کردند که شهرک‌نشینان مسلح و نقابداران اسرائیلی به فلسطینی‌ها در خانه‌هایشان حمله می‌کنند، به کودکان در راه مدرسه حمله می‌کنند، اموال را تخریب می‌کنند، باغ‌های زیتون را می‌سوزانند و کل جامعه را به وحشت می‌اندازند بدون آنکه مجازات شوند. البته تسنیم در خبری از تصویب قطع‌نامه‌ای جدید به نفع فلسطین در روزهای گذشته خبر و اطلاع داد مجمع عمومی سازمان ملل پیش از این در ماه جاری به نفع پنج قطع‌نامه درباره فلسطین رأی داده بود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش از این قطع‌نامه‌ای را با موافقت اکثریت اعضا تصویب کرد که بر حاکمیت همیشگی مردم فلسطین بر منابع طبیعی این کشور تأکید می‌کند.

خبرخوانی

ترانه علیدوستی بازداشت شد

مستندسازان و سینماگران در شبکه‌های اجتماعی خود از دستگیری «ترانه علیدوستی» بازیگر شناخته‌شده سینما خبر دادند. به گزارش «شبکه شرق» سمیه میرشمسی، عضو هیئت پنج‌نفره رسیدگی به خشونت علیه زنان سینماگر، در توییتر خود این خبر را تأیید کرد. میرشمسی تاکید کرد که از نهاد بازداشت‌کننده علیدوستی اطلاعی در دست نیست. همچنین منزل او نیز تفتیش شده است.

به گزارش خبرگزاری تسنیم ترانه علیدوستی به دلیل اقدامات اخیرش بازداشت شد. یک منبع آگاه به خبرنگار تسنیم گفت که «ترانه علیدوستی به دلیل اقدامات خود در راستای انتشار مطالب کذب و تحریف‌شده و تحریک به آشوب و حمایت از جریان‌های ضدایرانی بازداشت شده است».

البته ترانه علیدوستی پیش‌ازاین نیز بارها به دادسرا احضار شده بود. به گزارش فارس در تاریخ دوم بهمن ۱۳۹۸ ترانه علیدوستی که در روز اول بهمن به دادسرای رسانه احضار شده بود، با قرار کفالت آزاد شده است. براساس پیگیری‌های خبرنگار فارس، در آن زمان پرونده این بازیگر مشهور در شعبه ۹ بازپرسی دادسرای فرهنگ و رسانه تشکیل شده است. در آن زمان برخی سایت‌ها گفته بودند که علت این احضار، تحریم جشنواره سینمایی فجر از سوی او و برخی دیگر از هنرمندان سینما بوده است.

یاد

غریب‌پور در دیار غریب پر کشید

مهدی حجوانی

بهزاد الان خبر فوت تو را شنیدم. دروغ چرا، زیاد متأثر نشدم؛ یعنی نه اینکه متأثر نشوم، اما همان‌طور که تو هفت سال ذره‌ذره آب شدی، ما هم هفت سال ذره‌ذره به اندوه میدان دادیم و به آن خو گرفتیم تا به امروز. خبر درگذشت تو را برادرانت بهروز و کیانوش با دلنوشته‌هایی متین و عاطفی اعلام کردند. حالا خاطره‌های تو یک‌یک در ذهنم روشن می‌شوند. کدام را مرور کنیم؟ یادت هست من خواستم به خیال خودم، در و دیوار آپارتمانم را هنری رنگ بزنم اما گند زدم؟ چند سال بعد که من و زهره خانه را عوض کردیم، دست به دامنت شدیم. تو با مهربانی به خانه ما آمدی و برای دیوارهای هال و پذیرایی و اتاق‌ها طیف‌های رنگی انتخاب کردی و نمونه رنگ دادی. چیز محشر و چشمگیری شد. به زهره گفتم اگر قرار باشد شخصیت بهزاد را با یک رنگ تعریف کنم، از همان رنگی نام می‌برم که برای هال انتخاب کرد: یک‌جور رنگ خردلی که انگار با مختصری رنگ طلایی، درخشان و فاخر شده. حالا که نیستی، طاقت ندارم رنگ‌ها را که هنوز بر دیوارها جلوه‌گری می‌کنند، تماشا کنم. بگذار عقب‌تر بروم. یادت هست محمودرضا بهمن‌پور پوستر اولین نمایشگاه آسیایی تصویرگران کتاب کودک را که سال ۷۰ در فرهنگسرای بهمن برگزار شد، به تو سفارش داد و تو آن دارکوب و درخت زندگی را محشر کار کردی و تمبرش هم درآمد؟ و چه کسی از یاد می‌برد آن‌همه کتابی را که تصویرسازی و آن‌همه طرح جلد و پوستری را که طراحی کردی؟ یادم هست و شاید خیلی‌ها یادشان نباشد که وقتی انجمن تصویرگران شکل گرفت، در اولین مجمع عمومی انجمن که در تالار موزه هنرهای معاصر برگزار شد، تو بیشترین رأی را آوردی و عضو اولین هیئت‌مدیره شدی. بعد حدود سال ۷۶ توی نشر افق که آن زمان توی خیابان دانشگاه بود، تصمیم گرفتیم از تو برای مدیریت هنری دعوت کنیم که پذیرفتی. زحمت مدیریت هنری را برای مؤسسه‌های مختلف نشر کشیدی. یادت نرفته که بعضی شب‌ها با ماشین پیکانت که ارزان اما تمیز و باوقار بود، به افق می‌آمدی. موقع برگشتن، اول من را به کمربندی آریاشهر می‌رساندی و بعد به خانه‌ات در شهرک اکباتان می‌رفتی. یک شب دیدیم چرخ ماشینت پنچر شده. به من اجازه کمک ندادی. به خودم گفتم بهزاد با این نظم و ترتیب و نظافتی که دارد، چطور می‌خواهد لاستیک ماشین عوض کند؟ اما تو با همان دیسیپلینی که حرف می‌زدی و کار گرافیک و تصویرگری انجام می‌دادی، انگار که بخواهی سازی خوش‌آهنگ بنوازی، لاستیک را عوض کردی. بعد یک جاصابونی و بطری تمیز آب از صندوق عقب درآوردی. من روی جوی خیابان، آب روی دستت ریختم و تو با آب و صابون دستت را شستی و با حوله‌ای تازه‌نفس خشک کردی.

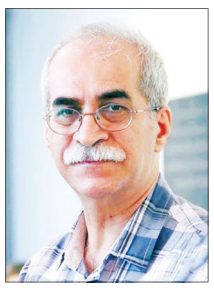

از این شیک‌تر؟ سال‌ها از تصویرگری‌ها، آثار گرافیکی و منش استادی‌ات یاد گرفتیم. می‌گفتی وقتی کاری هنری به شکل حسی خلق شد، هنرمند نباید بیش از حد دستکاری‌اش کند؛ چون ممکن است از دایره حس وارد دایره عقل شود و مزه‌اش از کف برود. ما سال‌ها با هم زندگی کردیم. آخرین دیدارمان توی کانادا بود. پسرت روژان با من تماس گرفت و گفت بابا و مامانم شنیده‌اند که شما و همسرتان به تورنتو آمده‌اید، می‌خواهند شما را ببینند. مشتاقانه تماس گرفتیم و شما و همسرت زهره خانم، من و زهره را به عصرانه دعوت کردید. ما توی کافی‌شاپ نزدیک منزل‌تان نشسته بودیم که تو بازو در بازوی زهره خانم آمدی. چه همسر بزرگوار و فداکاری بود این زهره خانم قلیچ‌خانی! بعد از سال‌ها دیدار تازه شد. قوای بدنی‌ات تحلیل رفته بود و حتما باید کسی همراهی‌ات می‌کرد؛ اما با آن غرور ذاتی اصرار داشتی که خودت ارتباط برقرار کنی. ما باز هم توی تورنتو وقت دیدار با تو را داشتیم؛ اما دیگر دل نداشتم ببینمت. می‌دانستم که خودت هم نمی‌خواهی دیگران تو را در آن حالت ببینند. دولت‌آبادی در پایان و اوج رمان کلیدر آنجا که گل‌محمد در حال مرگ است، از زبان او می‌گوید: «ازپاافتادن مرد... دیدنی نیست». بهزاد تو هنوز ایستاده بودی و لبخند به لب داشتی و من می‌خواستم آخرین دیدارم با تو در چنان حالتی باشد. بعد از تجدید خاطره‌ها بلند شدیم و پیش از غروب وداع گفتیم. نمی‌دانم آسمان هوای گریه داشت یا من هوا را چنان می‌دیدم. نمی‌دانم پرندگانی مهاجر و خاموش را در آسمان دیدم یا توهم بود. نمی‌دانم سوزی استخوان‌سوز می‌وزید و خبر از پاییز می‌داد یا من خیالاتی شده بودم. فقط می‌دانم که وداعی تلخ بود آن وداع آخر، در آن روز آخر و در آن سرزمین غریب که غریب ما را در آغوش کشیده بود. سلام بر تو و سلام بر زادگاهت کردستان.